

سلسله انتشارات

نشر قطره - ۳۶۳

روانشناسی - ترجمه - ۶

هفت قانون معنوی موفقیت

دکتر دیپاک چوپرا

مترجم

گیتی خوشدل



نشر قطره

فهرست

| | | |
|-----|-------|------------------------------|
| ۷ | | مقدمه |
| ۱۱ | | فصل ۱ |
| | | قانون توانایی مطلق |
| ۲۵ | | فصل ۲ |
| | | قانون بخشایش |
| ۳۵ | | فصل ۳ |
| | | قانون «کارما» یا علت و معلول |
| ۴۷ | | فصل ۴ |
| | | قانون کمترین تلاش |
| ۵۹ | | فصل ۵ |
| | | قانون قصد و آرزو |
| ۷۳ | | فصل ۶ |
| | | قانون عدم دل بستگی |
| ۸۳ | | فصل ۷ |
| | | قانون «دارما» یا غایت حیات |
| ۹۳ | | چکیده و نتیجه گیری |
| ۹۹ | | درباره نویسنده |
| ۱۰۰ | | توصیه دکتر چوپرا |

در آغاز
نه وجود بود، نه عدم
همه این جهان، نیروی نامتجلی بود...
آن یگانه بی‌دم و بازدم نفس کشید
اگر نه هیچ چیز به ذات خود وجود نداشت ...
- ریگ ودا، سرود آفرینش

نخستین قانون موفقیت، **قانون توانایی مطلق** است. این قانون مبتنی بر این واقعیت است که ما - در جوهر - آگاهی مطلقیم. آگاهی مطلق، توانایی مطلق، و حیطه تمامی امکانات و خلاقیت نامحدود است. آگاهی مطلق، جوهر معنوی ماست. همچنین بیکران و نامحدود بودن و شادمانی محض است. سایر ویژگیهای آگاهی عبارتند از دانش مطلق، سکوت بی‌انتهای، تعادل کامل، شکست‌ناپذیری، سادگی، و بهجت. و این طبیعت بنیادی ماست. طبیعت بنیادی ما یکی از تواناییهای مطلق است.

وقتی طبیعت بنیادی خود را کشف می‌کنید و درمی‌یابید به راستی کیستید، خود آن شناخت یعنی توانایی برآورده ساختن هر رؤیایی که دارید، زیرا قدرت و امکان جاودانید: آن قدرت قیاس‌ناپذیر که بوده و هست و خواهد بود. **قانون توانایی مطلق را**

می‌توان قانون وحدت نیز خواند زیرا در کثرت نامحدود حیات، وحدت جانی یگانه نهفته و همه چیز را فراگرفته است. میان شما و این حیطه نیرو، ذره‌یی جدایی وجود ندارد. حیطه توانایی مطلق، ضمیر خودتان است. و هر چه طبیعت راستین خود را بیشتر تجربه کنید، به حیطه توانایی مطلق نزدیکتر خواهید بود.

تجربه ضمیر یا «رجوع به خویشتن» یعنی اینکه نقطه رجوع درونی، روح و جان ماست، نه موضوعات تجربه‌مان. ضد رجوع به خویشتن، رجوع به موضوعات است. در رجوع به موضوعات، همواره تحت تأثیر موضوعاتی بیرون از ضمیر قرار می‌گیریم که شامل اوضاع و شرایط و موقعیتهای افراد و اشیاء می‌شود. در رجوع به موضوعات، همواره جویای تأیید دیگرانیم. اندیشه‌ها و رفتارمان همواره منتظر پاسخی است از این رو، مبتنی بر ترس است.

همچنین به هنگام رجوع به موضوعات، شدیداً احساس می‌کنیم که نیاز به کنترل امور و قدرت بیرونی داریم. نیاز به تأیید و نیاز به در اختیار گرفتن امور و نیاز به قدرت بیرونی، نیازهایی مبتنی بر ترس‌اند. این نوع قدرت، قدرت توانایی مطلق یا قدرت ضمیر یا قدرت راستین نیست. وقتی قدرت ضمیر را احساس می‌کنیم، ترس غایب است. عطش برای تسلط، یا تکاپو برای کسب تأیید یا قدرت بیرونی وجود ندارد.

در رجوع به موضوعات، نقطه رجوع درونی‌تان «من»

شماست. حال آنکه «من» آن کس که به راستی هستید نیست. «من» تصویری است که از خود دارید - نقاب اجتماعی - و نقشی است که بازی می‌کنید. نقاب اجتماعی شما از راه کسب تأیید امرار معاش می‌کند. می‌خواهید اختیار امور را به دست بگیرید، و چون در ترس زندگی می‌کند، از راه قدرت بقا می‌یابد.

ضمیر راستین شما - که روح و جانان است - کاملاً از آن چیزها رهاست. در برابر انتقاد، ایمن و در برابر هر توان آزمایی، بی‌باک است و خود را کمتر از هیچ کس احساس نمی‌کند. و با این حال، فروتن است و خود را برتر از هیچ کس احساس نمی‌کند زیرا درمی‌یابد که همه همان ضمیر و همان روح و جانان در جامه‌هایی متفاوت.

تفاوت بنیادی میان رجوع به موضوعات و رجوع به خویشتن نیز همین است. به هنگام رجوع به خویشتن، هستی راستین خود را تجربه می‌کنید که از هیچ مشکلی نمی‌هراسد، به همه مردم حرمت می‌نهد، و خود را کمتر از هیچ کس احساس نمی‌کند. در نتیجه قدرت ضمیر، قدرت راستین است.

حال آنکه قدرت مبتنی بر رجوع به موضوعات، قدرت کاذب است. قدرت مبتنی بر «من» تا مدتی دوام می‌یابد که موضوع رجوع وجود داشته باشد. چنانچه صاحب عنوانی ویژه باشید - اگر رئیس جمهور مملکت یا رئیس شرکتی یا ثروتمند باشید - قدرتی که از آن کام می‌جوید به آن شغل و آن پول بسته است.